حادثه‌ها

دستور ویژه فرمانده پلیس برای شناسایی عامل اسیدپاشی

• پلیس همچنان در تلاش است تا عامل یا عاملان اسیدپاشی روی چهارزن اصفهانی را شناسایی و دستگیر کند، این در حالی است که فرمانده نیروی انتظامی نیز دستور ویژه‌ای را در این خصوص صادره کرده است.

به گزارش پایگاه خبری پلیس، جانشین فرمانده نیروی انتظامی که برای بررسی روند اقدامات اجرایی در پرونده اسیدپاشی به اصفهان سفر کرده بود، گفت: پلیس با عزم جدی و حساسیت ویژه‌ای این پرونده را تا دستیابی به نتیجه نهایی دنبال می‌کند. سردار سرتیپ «حسین اشتری»، از دستور ویژه فرمانده ناجا برای پیگیری و حل هرچه زودتر این پرونده و شناسایی عامل اصلی این اقدام خبر داد و گفت: در این زمینه نیروی انتظامی از تمامی ظرفیت‌های موجود و بسیج همه امکانات خود استفاده کرده و در صورت نیاز پشتیبانی‌های لازم از طریق مرکز نیز اعمال خواهد شد.

این مقام انتظامی با بیان اینکه اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه نیروی انتظامی به‌شمار می‌آید، از همکاری اقشار مختلف مردم به‌خصوص مردم اصفهان با پلیس استان به‌ویژه در پرونده اخیر قدردانی کرد و افزود: هوشمندی مردم در پیگیری اخبار و گزارش‌های این پرونده از طریق منابع رسمی و مطمئن کشور همچون رسانه ملی و سایت خبرگزاری پلیس باعث خنثی‌شدن شایعات شده است. وی با بیان اینکه شایعه‌سازها به‌دنبال ناامن‌کردن جامعه و ازبین‌بردن اعتماد مردم نسبت به خادمان خود در نیروی انتظامی هستند، گفت: پلیس با کسانی که بخواهند امنیت و آسایش مردم را مختل کنند و باعث التهاب در جامعه شوند برخورد قانونی خواهد کرد. در همین حال حجت‌الاسلام‌والمسلمین پورمحمدی، وزیر دادگستری درباره حمایت از قربانیان اسیدپاشی گفت: ما در رابطه با این موضوع پرونده داریم اما صدور حکم برخی پرونده‌ها طولانی می‌شود و تا حکم صادر نشود ما مجوز پرداخت نداریم. او درباره مرتبط‌دانستن اسیدپاشی‌ها با امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر گفت: این پیش‌داوری و تحلیل‌هایی که صورت می‌گیرد تا اصل قضیه روشن نشود نارواست، اما بحث حقوق‌بشری آن درست است زیرا به حقوق افرادی تجاوز شده است. ما به رعایت کامل حقوق‌بشر معتقدیم و اسلام هم به این موضوع تاکید دارد. وی ادامه داد: ما در حقوق شهروندی پیشگام هستیم و اگر به حق کسی تعدی شود حتما باید جبران کنیم. در حوادث اخیر ابتدا باید عاملان جنایت را شناسایی کنیم و در حال حاضر دستگاه‌های مربوطه با جدیت در حال پیگیری موضوع هستند و انشاءالله به‌زودی به نتیجه برسند که بعد از آن، کار دستگاه قضایی با قدرت و قاطعیت شروع می‌شود و ما امیدواریم با سرعت در اجرای حکم بتوانیم استیفای حق کنیم.

پورمحمدی درباره حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی گفت: مهم این است آسیب‌دیدگان اجتماعی حمایت شوند که دولت این کار را انجام می‌دهد. الان وقت درمان و توجه فوری است که توسط دولت و ارگان‌های امدادی و خدماتی اتفاق می‌افتد. وزیر دادگستری در ادامه بیان کرد: منابع ما کاملا محدود است که بخشی را خودمان تامین و بخشی را به دستگاه‌های دیگر منتقل می‌کنیم. بودجه در نظر گرفته شده برای امسال ما پنج‌میلیاردتومان بود اما مبلغی که به ما تخصیص داده شد بسیار پایین است.

قتل زن هندی به اتهام جادوگری

• **بی‌بی‌سی:** بستگان زنی هندی او را به اتهام جادوگری کشتند. برادر شوهر و چندنفر دیگر از اقوام این زن، چند ساعت او را کتک زدند و تا حد مرگ شکنجه کردند. برادر شوهر این زن او را متهم کرده بود پسرش را با توسل به طلسم و جادو بیمار کرده است. پلیس محلی ۱۰نفر را در ارتباط با این قتل دستگیر کرده است.

این واقعه در منطقه «بمتارا» در ایالت «چتیسگر» در مرکز هند رخ داد. متهم‌کردن زنان به جادوگری و آزار و اذیت آنها که گاه به مرگشان منجر می‌شود، همچنان در برخی جوامع روستایی هند مرسوم است. در بعضی موارد ترس و اعتقادات خرافی باعث چنین حملاتی می‌شود و در موارد دیگر کینه شخصی یا تلاش برای تصاحب ملک یا دارایی‌های زنان دلیل متهم‌کردن آنهاست.

خرید شارژ از حساب بانکی مادر

• **فارس:** ماموران پلیس فتای سیستان‌وبلوچستان فردی را که از حساب بانکی مادرش برداشت غیرمجاز کرده بود، شناسایی کردند. سرهنگ حسینی‌پور، رییس پلیس فتای انتظامی سیستان‌وبلوچستان در تشریح این خبر گفت: پرونده‌ای درپی شکایت زنی مبنی بر برداشت غیرمجاز مبلغی از حساب بانکی وی تشکیل شد و در دستور کار پلیس قرار گرفت. سرهنگ حسینی‌پور افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد تمامی مبالغ کسرشده از حساب، صرف خرید اینترنتی شارژ شده است. وی ادامه داد: ضمن تحقیقات تکمیلی و با بررسی شماره‌هایی که شارژهای خریداری‌شده روی آنها فعال شده بود متهم که فرزند شاکی است شناسایی و احضار شد و در رویارویی با پلیس گفت مادرم مشخصات بانکی خود را برای انجام خریدهای اینترنتی در اختیار من قرار داده بود و من نیز با استفاده از آن اقدام به خرید شارژ کردم.

جوابیه پدر امیر اصلانی و پاسخ «شرق»

پدر «محسن امیراصلانی» مردی که روز دوم مهر سال‌جاری اعدام شد، در واکنش به مطلبی تحت عنوان «اعدام به جرم تجاوز، نه ارتداد» جوابیه‌ای را به روزنامه ارسال کرده است که در زیر می‌خوانید:

روزنامه «شرق» در مورخ ۲۴مهرماه ۹۳ مطلبی تحت عنوان «بازخوانی شرق از یک پرونده» منتشر کرده است که ذیل تیتر «اعدام به جرم تجاوز، نه ارتداد» مشخصا به پرونده اعدام اخیر فرزندم محسن امیراصلانی اشاره دارد.

از آنجا که این مطلب خلاف رویه همیشگی روزنامه «شرق»، بدون ذکر نام نویسنده منتشر شده و سرشار از اتهامات و موضوعات خلاف واقع درخصوص پرونده فرزندم می‌باشد. امیدوارم حسب قوانین مطبوعاتی با انتشار این جوابیه در اولین نوبت انتشار روزنامه پس از وصول و در همان صفحه و محل، به رسالت مطبوعاتی و شرف خبرنگاری پایبند بوده و با تاسی به سابقه روشن روزنامه وزین «شرق» در نشر بی‌طرفانه اخبار، زمینه تنویر افکارعمومی را فراهم آورید.

نخستین جمله روزنامه «شرق» این است: بازخوانی «شرق» از یک پرونده و برای من و وکلای پرونده محسن، پس از خواندن تمام مطلب، این سوال ایجاد می‌شود که آیا حقیقتا خبرنگار «شرق» پرونده محسن را مطالعه کرده؟ یا این موارد مطرح‌شده در مطلب «شرق» از مسیر دیگری در اختیار نویسنده قرار گرفته است؟

چراکه در بازخوانی «شرق» از پرونده محسن آورده شده است: پلیس بعد از شکایت مرد جوان به محل تشکیل کلاس‌ها رفت (نقل از متن «شرق») و در جای دیگری آورده است: «۱۳زن دیگر نیز با طرح شکایتی از این مرد، اعلام کردند توسط وی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.» (نقل از متن «شرق»)

حال آنکه دستگیری محسن مستقیما توسط اطلاعات استان تهران انجام گرفته و با دستور مستقیم سعید مرتضوی دادستان وقت.

و اما عدد ۱۳شاکی زن. این عدد از کجا استخراج شده؟ چون پرونده محسن سه‌نفر شاکی داشت که در همان دادگاه اولیه ادعاهای یک‌نفر بی‌اساس و از طرف او تبرئه اعلام شد و در نهایت دوشاکی وجود داشت که شکایت آنها دوبار با دلایل روشن و به تفصیل از سوی شعبه۳۱ دیوان مردود اعلام گردید. و سوال بزرگ همچنان باقی است که چگونه دوشاکی تبدیل به ۱۳نفر شدند؟ و این همصدایی جهت‌دار با برخی روزنامه‌های شناخته‌شده نظیر کیهان مورخ پنجم‌مهرماه ۹۳ که تیتر زده بود «اعدام جنایتکاری با ده‌ها شاکی خصوصی» از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

و باز سوال آغازین که: اگر بازخوانی از این پرونده واقعا توسط خبرنگار «شرق» صورت گرفته، عدد ۱۳شاکی خصوصی در کجای پرونده منعکس است؟!

مطابق بازخوانی«شرق» از پرونده محسن: وی آنها را به خدا و بزرگان دین اسلام نزدیک کرده و پس از آنکه تعدادشان زیاد شد (حدودا ۴۰نفر!) آنها را به هتل و مکان تفریحی می‌برد و در راستای تقرب بیشتر به خداوند از آنها می‌خواهد که با هم روابط جنسی خارج از عرف داشته باشند!!! (استغفرالله)

و در جای دیگری از بازخوانی «شرق» آمده: ... آن مرد در همان مدتی که در اردو (هتل) بودیم به همسرم تجاوز کرده بود. حرف همسرم را قبول نکردم و با متهم تماس گرفتم. او قبول کرد که به همسرم تجاوز کرده! و من هم نباید ناراحت شوم!! او نشانه‌ای از بدن همسرم داد که متوجه شدم واقعا با زنم رابطه داشته است!!!

از این مضحک‌تر آیا می‌شد خیالپردازی کرد؟ یعنی کسی به زن کسی تعرض می‌کند و نه‌تنها کتمان نمی‌کند بلکه نشانی بدن زن را هم به شوهرش می‌دهد که طرف مطمئن شود؟!

اما واقعیت ماجرای شکایت این سه‌زن (که بعدتر از جانب شکایت یک نفر هم تبرئه اعلام شد)

محسن امیراصلانی در اردیبهشت۸۵ با گزارش سازمان اطلاعات استان تهران و دستور سعید مرتضوی دادستان وقت تهران با اتهام: بدعت در دین و توهین به حضرت‌یونس به‌همراه همسر و تعدادی از شاگردانش دستگیر و به بند۲۰۹ زندان اوین منتقل شد و پس از بازجویی‌های مفصل از او و همسرش و برخی شاگردانش، پرونده‌ای تشکیل و به بازپرسی دادسرای ارشاد ارجاع داده می‌شود که در همان نخستین مرحله بازپرسی، بازپرس درخصوص صرف ادعای تجاوز به عنف شکات، موضوع را فاقد دلایل اثباتی اعلام می‌دارد و عقیده بر منع تعقیب دارد (ص۱۱۶ پرونده و تاکید مجدد ص۱۲۴) اینکه چگونه با این منع تعقیب پرونده در همان‌جا مختومه نشد و کار به هشت‌سال‌ونیم زندان و در نهایت اعدام کشید شرح مفصل دیگری است که زمان و فرصت مناسب طرح می‌خواهد!

به هرروی، در زمانی که محسن به اتهام بدعت در دین و توهین به حضرت‌یونس محاکمه شده و دوسال‌ونیم حبس برایش مقرر کرده بودند و ما گمان می‌کردیم پس از گذراندن مدت محکومیت آزاد خواهد شد، پرونده جدیدی برای او تشکیل شد با همان شاکیان. که یک‌نفر از آنها یک خانم مجرد و دیگری یک خانم متاهل بودند که به نظر می‌رسد، در گزارش روزنامه «شرق» روایت همسر همان خانم آورده شده که از قضا این آقا از مسوولان حراست یکی از نهادهای مالی کشور بوده که مدت‌ها در کسوت شاگرد محسن در کلاس‌های او شرکت می‌کرد و بعدترها همراه سایر ماموران امنیتی محسن را از زندان اوین به دادگاه می‌آوردند!

در پایان به دلیل وجود موضوعات بسیارزیاد و خلاف‌واقع و جهت‌دار روزنامه «شرق» به رای‌ها و مراحل رسیدگی، چندپاره از آرای دیوانعالی کشور (عالی‌ترین مرجع رسیدگی قضایی کشور) را که در سه‌نوبت و در مقاطع مختلف آرای صادره از دادگاه انقلاب (قاضی صلواتی) و دادسرای کیفری را نقض و اعلام برائت کرده‌اند، به محضر خوانندگان و حقیقت‌طلبان عرضه می‌کنم:

۱-امید است معنای عبارتی که در ذیل عینا از رای موجود در پرونده آن مرحوم می‌آید برای شما شفاف و واضح باشد: «... چرا که طریقت ادعایی (زنای به عنف) در آن تاریخ مدلل نبوده و در هیچ محکمه‌ای به اثبات نرسیده است!!!» (سطر۱۳ از صفحه‌هشت رای دیوانعالی کشور صادره در مورخ ۹۰/۰۶/۰۷)

۲- نوشته‌اید: «پرونده... به دادگاه انقلاب فرستاده شد و با توجه به اتهام فساد فی‌الارض محکوم شد و... شعبه ۳۱دیوانعالی کشور اعلام کرد با توجه به اینکه تعدادی از شکات اعلام کرده‌اند مورد تجاوز به عنف قرار گرفته‌اند... باید در دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گیرد» کجای رای چنین چیزی را نوشته؟؟!! نخیر اینچنین نیست دیوانعالی کشور معتقد بود رای صادره از دادگاه انقلاب (قاضی صلواتی) باید نقض شود به دلیل اینکه عنوان اتهامی افساد فی‌الارض نیست چراکه «...تجمیع اتهامات جدید (زنا) از یک طرف و عناوین اتهامی سابق (اتهامات عقیدتی) بدون اقدامات قانونی مقتضی از سوی مراجع ذی‌صلاح فاقد وجاهت قانونی و شرعی اعلام می‌گردد (ص هشت رای شعبه ۳۱دیوان)» و در همان صفحه می‌آورد: «اقدام شعبه... در مورد اتهام انتسابی جدید!!! متهم (تجاوز به عنف و اکراه... اولا فاقد مرزشرعی و قانونی است، ثانیا نفس عمل مصادره به مطلوب است، چرا که طریقت ادعایی (زنای عنف)... در هیچ محکمه‌ای به اثبات نرسیده است»

۳- در جای دیگری از بازخوانی شما آورده‌اید: «... این بار شعبه ۳۱دیوان رای را به دلیل اینکه از همه شاکیان تحقیق به عمل نیامده و به اعمال مجرمانه او درخصوص توهین به مقدسات رسیدگی نشده بود نقض و پرونده را به شعبه هم‌عرض ارسال کرد...» نه بزرگواران، اینچنین نیست؛ لطفا عین متن رای را بخوانید: «چون دلایل کافی برای اثبات زنای‌به‌عنف کافی نیست، به‌خصوص اینکه پزشکی قانونی نیز اظهار عقیده در پرونده ندارد علیهذا ضمن نقض رسیدگی به شعبه دیگر محول می‌گردد» (ص۴۵۱ پرونده)

۴-در همان ستون آورده‌اید «... از آنجایی که یک شعبه دیوانعالی کشور نمی‌توانست برای سه‌بار حکم یک پرونده را نقض کند، مطابق قانون باید مرجع دیگری به پرونده رسیدگی کند، به همین دلیل شعبه۳۱ دیوانعالی کشور و دادگاه کیفری استان اختلاف نظر پیدا کردند!!!» مگر ما قانون آیین دادرسی نداریم که بین دیوان و دادگاه کیفری استان اختلاف نظر پیدا شده؟!! مگر اختلاف‌نظر بین دادگاه عالی (دیوان) و دادگاه تالی (کیفری) در قانون معنا دارد؟؟؟ اختلاف نظر بین دودادگاه هم‌عرض قانونی است، مطابق قانون دادگاه تالی موظف به پذیرش نظر دادگاه عالی است و، حقیقت اینست که در این مرحله دادگاه کیفری استان قویا تخلف قضایی نموده است و پرونده قریب یکسال‌واندی در دفتر رییس دادگاه کیفری استان خاک می‌خورد!!! چرا؟

پاسخ این سوال و سوالات و ابهامات بسیار درخصوص پرونده محسن و از جمله چاپ همین مطلب کذب در روزنامه «شرق» هم بخش دیگری از پرونده اعدام محسن امیراصلانی است.

شرق:

با احترام به خانواده مرحوم امیراصلانی و با تاکید بر اینکه گزارش «شرق» فاقد هرگونه سوگیری خاص بوده و در کل گزارش «شرق» هم هیچ نامی از متهم منتشر نشده بود. پیرامون جوابیه ارسالی خانواده آن مرحوم نکاتی قابل‌تامل است:

۱- تنظیم‌کننده محترم جوابیه، با اندکی دقت و مرور آرشیو «شرق» متوجه می‌شدند، مطالب صفحه «حوادث» روزنامه - به غیراز موارد استثنایی و نادر - بدون ذکر نام منتشر می‌شود. بنابراین، انتشار گزارش مورد اشاره ایشان بدون ذکر نام گزارشگر، «خلاف رویه همیشگی روزنامه «شرق»» نیست.

۲-در بخشی از جوابیه آمده است: «پرونده محسن سه‌نفر شاکی داشت که در همان دادگاه اولیه ادعاهای یک‌نفر بی‌اساس و از طرف او تبرئه اعلام شد و در نهایت دوشاکی وجود داشت... .» این بخش از جوابیه که البته در خبر اولیه روزنامه «شرق» نیز به همین شکل منعکس شده بود؛ خود تاییدی است بر تیتر محتوای گزارش «شرق»؛ زیرا این جملات بیانگر آن است که متهم با شکایت خصوصی تحت پیگیرد قرار گرفته و شکات خصوصی نیز عنوان اتهامی تجاوز به عنف را مطرح کرده بودند. تیتر روزنامه «شرق» نیز دقیقا همین مطلب بود: «اعدام به جرم تجاوز، نه ارتداد.» اصولا؛ جرم ارتداد ارتباطی با شاکی خصوصی ندارد همان‌گونه که مرجع رسیدگی‌کننده به آن نیز محاکم کیفری استان نیست البته لازم به ذکر است تعداد شکات در مراحل‌اول بیشتر بود و بسیاری از آنان در مراحل مختلف و بنا به دلایل گوناگون از پیگیری پرونده صرف‌نظر کردند که این اتفاق منحصر به این پرونده نیست و نمونه‌های متعددی از آن وجود دارد که می‌توان با رجوع به آرشیو روزنامه‌ها نمونه‌های متعدد را یافت. نام و تاریخ شکایت شکات که البته تعداد آنها از ۱۳نفر بیشتر است و برخی از آنان مرد هستند و شکایت خود را با عناوین مختلف مطرح کرده‌اند در پرونده وجود دارد. این شکایت‌ها طی دوره چهارماهه مطرح و ضمیمه پرونده شده است. ضمن اینکه تعداد شکات این پرونده، موضوعی نیست که فقط روزنامه «شرق» یا «کیهان» به آن اشاره کرده باشند بلکه در رسانه‌های دیگر نیز به این موضوع توجه کرده‌اند. به عنوان مثال در خبر روزسوم مهر۹۳ روزنامه «اعتماد» نیز با عنوان «اعدام مدعی دروغین روان‌درمانی به اتهام آزار زنان» گزارش داد: «...در ادامه، با تحقیقات تخصصی مشخص شد متهم با ادعای عرفان و روان‌درمانی افراد زیادی را اغفال کرده و علاوه بر آزار و اذیت زنان از تعداد زیادی پسر نیز اخاذی کرده کرد.» بنابراین اخبار مربوط به این پرونده نه‌فقط در روزنامه «شرق» بلکه در رسانه‌های دیگر نیز به تفصیل منتشر شده و همین امر نفی‌کننده بخشی از جوابیه است که مدعی شده مطلب «شرق» از مسیر دیگری در اختیار نویسنده قرار گرفته است.

۳-نویسنده جوابیه بخش دیگری از مطلب روزنامه «شرق» را که درباره بردن افرادی به اردو و تجویز رابطه نامشروع بوده، نفی کرده است. روزنامه «شرق» بنا به ملاحظاتی از ذکر تمام جزییات مندرج در پرونده خودداری می‌کند نویسنده جوابیه سعی دارد با استناد به مطالب مندرج در پرونده و آراء دیوانعالی کشور ادعای خود را به اثبات برساند، اما فقط بخشی از اسناد مربوط به این «دیوان» را به‌صورت گزینشی مورد استناد قرار داده است و از نقل قسمت اصلی آن و حکم قطعی، خودداری می‌کند.

۴-نویسنده جوابیه بخشی از مطلب «شرق» را مضحک و خیالپردازی دانسته است حال آنکه همان بخش در پرونده وجود دارد و همان‌طور که در گزارش روزنامه آمده است، شوهر یکی از شکات آن ادعا را مطرح کرده است در واقع این مطلب، نقل‌قول از مندرجات پرونده است. اما پاسخ متهم درخصوص اتهام تجاوز به این زن نیز شایان توجه است. متهم روز اول‌مرداد سال۸۵ در شعبه‌هفتم دادسرای ارشاد تهران با این شاکی مواجهه حضوری داده می‌شود. شاکی در این جلسه بر وقوع زنای‌به‌عنف تاکید می‌کند و متهم اگرچه این اتهام را رد می‌کند در دفاع از خود مدعی می‌شود شاکی خواب دیده و دچار توهم شده است. همچنین متهم در جلسه دیگری که روزسوم شهریورسال۸۸ در دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد بار دیگر ادعای شاکی را با «خواب‌دیدن» او توجیه کرد آیا این عجیب نیست که زنی خوابی ببیند، بر اساس آن خواب شکایت و پرونده را سال‌ها پیگیری کند و متوجه نشود اصل ماجرا «خواب» و «توهم» بوده است؟ آیا اصولا چنین دفاعی توسط متهم منطقی است؟

۵-«شرق» درباره مرجع صادرکننده دستور جلب و ضابط قضایی مربوطه اظهارنظری نکرده اما آنچه مسلم است پرونده متهم با اتهام تجاوزبه‌عنف به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شده است. نویسنده جوابیه ذکر کرده بازپرس در دادسرا عقیده داشت برای متهم باید درخصوص اتهام تجاوز به عنف قرار منع تعقیب صادر شود و این موضوع را عجیب دانسته که چگونه پرونده با این منع تعقیب مختومه نشده است؟ هرکس که با قوانین آشنایی داشته باشد، می‌داند اصولا اتهام تجاوزبه‌عنف در دادسرا قابل رسیدگی نیست و بازپرس به لحاظ قانونی نمی‌تواند برای متهمان به تجاوزبه‌عنف قرار منع تعقیب یا قرار مجرمیت صادر کند بنابراین اگر در دادسرا برای متهم درخصوص اتهام تجاوزبه‌عنف قرار منع تعقیب صادر شده، امری خلاف قانون اتفاق افتاده که از قضا به نفع متهم بوده است. نویسنده محترم جوابیه سعی دارد با تکذیب خبر روزنامه «شرق» حکم صادره علیه متهم را اقدامی خارج ازچارچوب نشان بدهد و به اثبات برساند خبر چاپ‌شده از «مسیری دیگر» در اختیار روزنامه قرار گرفته است. اگر واقعا این‌گونه است و اصولا به «مسیری دیگر» نیاز بود چرا طبق مطالب مندرج در همین جوابیه بازپرس در همان ابتدا چنین نظری می‌دهد، چرا «دیوانعالی کشور» دوبار حکم اعدام را نقض می‌کند و چرا متهم در نهایت از اتهام تجاوز به شاکی‌سوم کاملا تبرئه می‌شود و چرا روند رسیدگی به پرونده تا این حد طولانی می‌شود؟

۶-در جوابیه آمده است محسن به اتهام بدعت در دین و توهین به حضرت‌یونس به دوسال‌ونیم حبس محکوم شد و در حالی‌که آنها در انتظار آزادی او بودند پرونده دیگری برای وی تشکیل شد. این بخش از جوابیه با بخش دیگری از اظهارات نویسنده در تضاد است زیرا اتهام تجاوزبه‌عنف، بنا به تایید نویسنده از همان ابتدا و در سال۸۵ هنگامی که پرونده در دادسرا مطرح بود وارد شد و در حکم دوسال‌ونیم حبس نیز اشاره‌ای به این عنوان اتهامی نشده بود. بنابراین، واضح است که این بخش از پرونده همچنان در حال رسیدگی بود و نه در دوران گذراندن محکومیت و نه در دوران پس از آن؛ نه پرونده جدیدی تشکیل شده است و نه اصولا می‌شد برای آزادی فردی انتظار کشید که عنوانی اتهامی با مجازات مرگ به او نسبت داده شده است. ضمن اینکه محکومیت اول متهم فقط به مسایل مذهبی مربوط نمی‌شود بلکه او طی دادنامه شماره۱۶۷۵ صادره از شعبه۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزایی تهران علاوه بر اتهامات مطروحه در جوابیه به دلیل تحصیل مال نامشروع از طریق برپایی کلاس‌های خرافه‌گرایی، اشتغال به امور پزشکی بدون داشتن جواز لازم قانونی، عمل منافی عفت نیز محکوم و مستحق حبس، شلاق، جزای نقدی و استرداد اموال محکوم شده بود که البته شعبه۳۱ دادگاه تجدیدنظر طی دادنامه شماره ۳۱۲۷ بخشی از مجازات را حذف و مابقی را ابرام کرده است. ضمن اینکه همان‌طور که در جوابیه ذکر شده متهم از باب توهین و بدعت در دین یک‌بار محکومیت قطعی دریافت و مجازات خود را تحمل کرده است بنابراین محکومیت‌دوم (اعدام) به لحاظ قانونی و منطقی نمی‌تواند با پرونده‌ای که حکم آن در سال۸۵ قطعی شده، ارتباط داشته باشد و به همین دلیل است که وقتی متهم در شعب۷۹و۷۲دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود فقط اتهام تجاوزبه‌عنف به او تفهیم می‌شود. در واقع این بخش از جوابیه بازهم تاییدی بر خبر روزنامه «شرق» است و نشان می‌دهد مبنای حکم اعدام، اتهام توهین و بدعت نبوده و پرونده این اتهام، سال‌ها قبل مختومه شده بود.

۷-بخش عمده‌ای از جوابیه به یکی از آراء دیوانعالی کشور اشاره دارد. کاملا واضح است که هرپرونده قضایی مراحل مختلفی را طی می‌کند و در مواردی که حکم مرگ مطرح است دیوانعالی کشور پرونده را بعد از صدور رای بررسی می‌کند. دیوانعالی کشور مرجع صادرکننده رای نیست و فقط مرجع نظارتی است. اگر حکم صادره مورد تایید قرار بگیرد پرونده وارد مرحله بعدی می‌شود اما اگر حکم نقض یا نقص در تحقیقات گرفته شود حسب مورد پرونده به شعبه هم‌عرض صادره‌کننده رای یا همان شعبه ارجاع می‌شود تا جلسات رسیدگی باردیگر برگزار شود. در این پرونده متهم ابتدا در شعبه۷۹دادگاه کیفری استان تهران به جرم تجاوزبه‌عنف به اعدام محکوم می‌شود اما دیوانعالی کشور رای را نقض و پرونده را به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌کند. ارجاع پرونده به شعبه هم‌عرض به معنای آن است که دیوانعالی کشور همچنان نوع اتهام را «تجاوزبه‌عنف» می‌داند در غیر این‌صورت اعلام می‌کرد به دلیل نوع اتهام مثلا «ارتداد» مرجع دیگری صالح به رسیدگی است وقتی چنین اتفاقی نیفتاده یعنی عنوان اتهامی همچنان «تجاوزبه‌عنف» است. متهم این‌بار در شعبه۷۲ محاکمه و بازهم به اعدام محکوم می‌شود و دیوانعالی کشور بار دیگر رای را نقض می‌کند. پس از آن پرونده به مسیر قضایی ادامه می‌دهد تا اینکه در نهایت شعبه۱۳ دیوانعالی کشور حکم اعدام را تایید می‌کند. مدافعان متهم فقط به یکی از آراء دیوانعالی کشور استناد می‌کنند و اتفاقا این رای همانی است که قطعی محسوب نمی‌شود حال آنکه در رای قطعی دیوانعالی کشور آمده است: «... ضمن رد اعتراض محکوم‌علیه (حکم) عینا تایید و ابرام می‌گردد. بدیهی است کلیه آراء صادره بعد از این حکم بلااعتبار است هر چند آنکه آنها قبلا از سوی دیوان نقض شده‌اند. رای تاییدشده دادگاه انقلاب لازم‌الاجرا است. این حکم قطعی است.» همان‌طور که در خبر اولیه «شرق» آمده بود رای دادگاه انقلاب که دیوانعالی کشور آن را تایید کرده همان حکم اعدام به اتهام افساد فی‌الارض است اما درباره اینکه چرا در بدو امر دادگاه انقلاب حکم صادر می‌کند، چرا حکم نقض و پرونده به دیوان ارجاع می‌شود و... در خبر اولیه توضیح مفصل داده شده است که نیازی به تکرار آن نیست. درخصوص اینکه متهم چرا مفسدفی‌الارض تشخیص داده شد باید به این بخش از دادنامه قطعی دیوانعالی کشور اشاره کرد که تصریح می‌کند: «... و با ۱۸دلیل و با قید اینکه دلایل فوق و شواهد و قرائن موجود مجرمیت مشارالیه از جهت تشکیل جلسات خرافی منجر به ارتباط نامشروع و نهایتا تجاوز به عنف با تعدادی از شرکت‌کنندگان اناث و با توجه به اینکه رفتار و کردار متهم به صورت تکرار و عادت به منصه ظهور رسیده و عمل وی از مصادیق بارز لطمه به حیثیت اجتماع، ناموس و دین مردم تلقی و موجب مفسده عمومی و انحراف جامعه از راه حق می‌باشد با استناد آیه۳۲ سوره‌مائده به‌عنوان مفسدفی‌الارض به اعدام محکوم کرده است...»

رخداد

برگزاری دادگاه قتل دانشجوی ایرانی در ایتالیا

• **ایسنا:** دادستان دادگاه میلان خواستار اشد مجازات برای متهمان به قتل مهتاب ساوجی، دانشجوی ایرانی در ایتالیا شد. دادستان میلان روز دوشنبه در نخستین جلسه رسمی دادگاه، برای زوج هندی که متهم به قتل مهتاب ساوجی هستند، خواهان ۳۰سال زندان شد. قاضی دادگاه اعلام کرد: جلسه بعدی دادگاه ۲۰آذر برگزار خواهد شد. اواسط بهمن سال گذشته با پیداشدن جسد دختر جوانی در کانال آبی ونیز ایتالیا، تحقیقات پلیس این کشور برای به‌دست‌آوردن سرنخ‌هایی از ماجرای این قتل آغاز و پس از مدتی مشخص شد جسد پیداشده متعلق به دانشجوی دختر ایرانی ۳۰ساله به‌نام مهتاب ساوجی است که در رشته طراحی لباس در میلان مشغول به تحصیل بود. مهتاب طی دوسال گذشته در آپارتمانی در میلان به‌طور مشترک با یک زوج هندی زندگی می‌کرد و فقط با عده محدودی از دوستان خود رفت‌وآمد داشت و بعد از مرگ وی، دوستانش با خانواده ساوجی تماس گرفتند و این خبر را اعلام کردند. بنابر اخبار منتشرشده، جنازه مهتاب توسط یک راننده تاکسی پیدا شده و او پلیس را باخبر کرده است.

دستگیری سارق لامپ‌های مهتابی عابربانک‌ها

• **باشگاه خبرنگاران:** فرمانده انتظامی ارومیه از دستگیری سارق لامپ‌های مهتابی عابربانک‌ها در این شهرستان خبر داد. سرهنگ ولی‌زاده گفت: در پی گزارش سرقت‌های متعدد لامپ‌های مهتابی عابربانک‌ها در سطح شهرستان ارومیه رسیدگی به موضوع در دستور کار ماموران این فرماندهی قرار گرفت و با انجام کارهای اطلاعاتی و پلیسی نهایتا فردی در این راستا شناسایی و پس از دستگیری به مقر پلیس هدایت شد. وی ادامه داد: متهم در بازجویی‌های مقدماتی به چندین فقره سرقت از عابربانک‌ها در سطح شهرستان ارومیه معترف شد. فرمانده انتظامی ارومیه خاطرنشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

باز هم خروج قطار باری از ریل

• **ایرنا:** خروج قطار باری از خط در مسیر اندیمشک-دورود موجب مسدودشدن چندساعته خط آهن خوزستان-تهران برای چندمین‌بار در سال‌جاری شد و مشکلاتی برای مسافران آن ایجاد کرد. به گزارش ایرنا به نقل از راه‌آهن ناحیه زاگرس، این حادثه در نخستین ساعات بامداد دیروز در ایستگاهی حدفاصل اندیمشک- دورود در محدوده استان لرستان روی داد. به‌دنبال بروز این حادثه حرکت رفت و برگشت قطارهای مسافری در مسیر تهران-خوزستان برای چندساعت متوقف شد. گفته می‌شود ۹واگن قطار باری در این حادثه از خط خارج شده است. این حادثه نهمین مورد خروج قطار از خط در حدفاصل استان‌های لرستان و خوزستان از ابتدای امسال تاکنون است. به گفته کارشناسان فرسودگی خطوط ریلی باعث وقوع چنین حوادثی می‌شود.

سارق کابل، عامل خاموشی‌ها

• **پلیس‌خبر:** سارق سیم برقی که باعث خاموشی برق در برخی از مناطق شهرستان فلاورجان استان اصفهان شده بود، دستگیر شد. سرهنگ «حسن نیکبخت»، فرمانده انتظامی شهرستان فلاورجان دراین‌باره توضیح داد: «به‌دنبال سرقت سیم‌های برق که باعث خاموشی در برخی از مناطق شهرستان شده بود رسیدگی به موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. سرانجام فردی که به این کار دست می‌زد شناسایی و دستگیر شد.» این مقام انتظامی عنوان کرد: «متهم در ابتدا منکر هر گونه جرم و بزهی بود اما هنگامی که با مدارک و مستندات پلیس مواجه شد به جرم خود اعتراف و به چندین‌فقره سرقت سیم برق در سطح شهرستان اقرار کرد.»

سرقت خودروهای مدل بالا با خوراندن نوشیدنی مسموم

• **شرق:** دودختر جوان که خودروهای مدل‌بالا را در مشهد سرقت می‌کردند، شناسایی و دستگیر شدند. رییس پلیس آگاهی خراسان‌رضوی با اعلام این خبر گفت: «ماموران درپی سرقت خودروهای مدل بالا توسط دو دختر جوان و اعلام شکایت دومالباخته، تحقیقات را آغاز کردند.» سرهنگ‌حسین بیدمشکی افزود: «کارآگاهان با مشخصاتی که از طریق مالباختگان به‌دست آوردند و همچنین با تصاویر ضبط شده دوربین‌های مداربسته یک شرکت، توانستند یکی از عاملان سرقت را که دختری ۱۹ساله است شناسایی و او را دستگیر کنند.» وی خاطرنشان کرد: «دختر ۱۹ساله با معرفی یکی از دوستانش که دختری هم‌سن اوست، اظهار کرد با سوارشدن به خودروهای سواری و پس از خواندن نوشیدنی مسموم، راننده را بیهوش و خودرو را سرقت می‌کردند. دختر جوان همچنین در اعترافات بعدی خود همدست دیگرشان را که مردی جوان است و خودروهای مسروقه را تحویل می‌گرفت به پلیس معرفی کرد. رییس پلیس آگاهی خراسان‌رضوی گفت: کارآگاهان مبارزه با سرقت بلافاصله دو متهم دیگر پرونده را نیز دستگیر کردند. اعضای این باند تاکنون به سرقت دودستگاه خودرو سواری سانتافه و پژوپارس به روش خوراندن نوشیدنی مسموم اعتراف کرده‌اند و تحقیقات گسترده برای کشف دیگر سرقت‌های انجام شده توسط این متهمان ادامه دارد.»

اقدام تلافی‌جویانه شوهر برای جلوگیری از طلاق

فارس: متهمی که برای آزار و اذیت روانی همسرش با ایجاد پروفایل مستهجن در فیس‌بوک قصد داشت او را از ارایه دادخواست طلاق منصرف کند، توسط ماموران پلیس فتای تهران بزرگ دستگیر شد. سرهنگ محمدمهدی کاکوان، رییس‌پلیس فتای تهران بزرگ با بیان این خبر اعلام کرد: «در پی شکایت زنی جوان به نام «نسترن» تحت عنوان منتسب‌کردن اعمال خلاف حقیقت و هتک حیثیت، پرونده‌ای در دادسرای ویژه جرایم رایانه‌ای تشکیل و به دستور مقام قضایی برای ادامه تحقیقات به پلیس فتای پایتخت ارجاع داده ش